

بررسی تطبیقی تعریف و معیارهای ثبت طرح صنعتی در قانون مصوب ۱۳۸۶

سعید حبیبی^{۱*}، نسیم حنیفی^۲

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۳/۲۰

دریافت: ۹۱/۲/۱۷

چکیده

پس از سال‌ها خلأ قانونی در خصوص حمایت از طرح‌های صنعتی، قانون حمایت از اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری، مصوب ۱۳۸۶، نتوانست تعریف جامعی از طرح صنعتی ارائه کند. از سوی دیگر، معیارهای ثبت طرح‌های صنعتی و ارزیابی آن‌ها در قانون، به حدی مبهم و نارسا بود که آیین‌نامه اجرایی را هم به ورود به حیطه قانونگذاری ناچار کرد تا بتواند با افزودن احکامی بدیع، از میزان چالش‌های حقوقی در این زمینه بکاهد. در این مقاله، به منظور تقلیل معایب قانون فوق‌الذکر، پس از ارائه تعریفی جامع از طرح‌های صنعتی و تحلیل نقادانه قانون و مطالعه تطبیقی دیگر نظام‌های حقوقی، راهکارهایی از قبیل اتخاذ همزمان معیار جدید بودن و اصیل بودن در ثبت طرح صنعتی، تصریح به تعریف اصالت در قانون، اصلاح تعریف جدید بودن و... پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: طرح صنعتی، مالکیت فکری، معیارهای ثبت، اصالت، جدید بودن

۱. مقدمه

طرح صنعتی به‌عنوان معجونی که هنر و صنعت را در خود گرد آورده، از ویژگی



منحصربه‌فردی در میان آفرینه‌های فکری برخوردار است. این دارایی ارزشمند اقتصادی که سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی و رونق بازار تولید و کسب و کار دارد، مدت‌ها مورد بی‌مهری قانونگذار ایرانی قرار گرفته بود و پدیدآورندگان آن از حمایت وافی در این خصوص بهره‌مند نبودند. این در حالی بود که نظام‌های حقوقی خارجی، حتی در برخی کشورهای در حال توسعه از اواسط قرن بیستم با تدوین قوانینی جامع، شرایط و نحوه حمایت از طراحان صنعتی را معین کرده بودند.

سرانجام جمهوری اسلامی ایران، همگام با دیگر کشورها در سال ۱۳۸۶ «قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری» را به تصویب رسانید و گامی مؤثر در پیشرفت حقوق مالکیت فکری برداشت. این قانون که فصل دوم (مواد ۲۰ تا ۲۹) خود را به موضوع طرح‌های صنعتی اختصاص داده است با تعریف طرح صنعتی و معیارهای حمایت از آن (اعم از ماهوی و شکلی)، ضمانت‌اجرای نقض طرح‌های ثبت شده را پیش‌بینی کرده است. از این مواز، آنچه جوهره حمایت از طراحان را تشکیل می‌دهد تعریف انتخاب شده برای طرح و معیارهای در نظر گرفته شده برای ثبت آن است؛ اما آیا این تعریف و معیارهای مطرح شده، در راه حمایت از طرح‌های صنعتی ایرانی مناسب است یا باید تغییراتی در آن‌ها داده شود؟ و در این راه مناسب‌ترین تعریف و معیار درخصوص طرح‌های صنعتی کدام است؟ به نظر می‌رسد این قانون مانند سایر قوانینی که احکام مربوط به ماهیات جدید را وضع می‌کند، نواقصی داشته که یک حقوقدان نقاد نمی‌تواند به‌آسانی از کنار آن‌ها عبور کند. این نواقص که عمدتاً به تعریف طرح و معیارهای ثبت طرح برمی‌گردد با توجه به مطالعه تطبیقی قانون ایران با سایر نظام‌های حقوقی و نیز در نظر گرفتن رویه عملی ادارات مالکیت صنعتی به‌خوبی هویدا می‌شود که در این مقاله در دو بخش کلی به بررسی آن‌ها و ارائه راهکار پرداخته شده است. بخش اول که تعریف طرح صنعتی را مورد نقادی قرار می‌دهد از دستاوردهای مطالعه تطبیقی حقوق کشورهای برزیل و چین و بحرین (به‌عنوان کشورهای در حال توسعه و اسلامی) و اتحادیه اروپا و فرانسه استفاده کرده و بخش دوم که به مبحث مهم معیارهای ثبت

طرح می‌پردازد از مطالعه حقوق موضوعه ایالات متحده آمریکا به‌عنوان کشور پیشگام در این رشته به طور ویژه و چند کشور دیگر بهره برده است. امید است که این مقاله بتواند با ارائه پیشنهادهایی به منظور اصلاح قانون کنونی، ابزاری برای حمایت شایسته و بایسته از طراحان صنعتی و رونق تولید و تجارت داخلی فراهم کند.

۲. تعریف طرح‌های صنعتی

به طور کلی، طرح صنعتی، خصوصیات مربوط به شکل و ساختار و یا نقش و تزئینات به کار رفته در یک کالا به واسطه یک فرایند صنعتی است که در کالای خاتمه یافته، ایجاد چشم‌نوازی و جذابیت کند. برای رسیدن به مفهومی مناسب از طرح صنعتی برخی از تعاریفی که در ایران و سایر کشورها در این خصوص ارائه شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در تعاریف گوناگون طرح صنعتی، بعضاً نقاط مشترکی به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال، کشور برزیل در قانون مالکیت صنعتی، مصوب ۱۹۹۶ [۱]، ماده ۹۵ به شرح زیر به تعریف طرح صنعتی پرداخته است:

«یک طرح صنعتی، شکل تزئینی تغییرپذیر یک شیء یا ترکیبی تزئینی از خطوط و رنگ‌هایی است که ممکن است بر یک کالا به کار رود و اثر بصری جدید و اصیلی را در شکل ظاهری آن ایجاد کند و ممکن است به‌عنوان مدلی برای تولید صنعتی به کار آید».

بنابراین در برزیل، یک طرح صنعتی باید جنبه تزئینی داشته باشد، خواه از نظر شکل و ساختار و خواه از نظر نقش و نگار. با وجود این، ماده ۹۸ همان قانون، آثار هنری صرف را - حتی اگر دارای جنبه تزئینی باشند - از شمول طرح‌های صنعتی خارج می‌کند که با این شرایط، به نظر می‌رسد صنایع دستی از شمول طرح‌های صنعتی خارج شوند. این ترکیب‌های تزئینی، علاوه بر این‌که باید بر یک کالا (که در این قانون تعریفی از آن به عمل نیامده است) به کار روند، باید بر شکل ظاهری کالا به کار روند. بدین ترتیب، تغییرات فنی جدید، بدون تغییرات ظاهری یا مثلاً تزئینات داخل یک گلدان که



ظاهرا قابل دید نباشد، طرح صنعتی نخواهد بود. در نهایت، یک طرح صنعتی باید قابلیت کاربرد در تولیدات صنعتی را داشته باشد. لذا اگر یک طرح تزئینی که بر ظاهر یک کالا به کار برده شده است نتواند به عنوان یک مدل در تولیدات صنعتی مورد استفاده قرار گیرد، طرح صنعتی نخواهد بود.

در بند «الف» ماده یک دستورالعمل اتحادیه اروپا مصوب ۱۹۹۸ [۲] و بند یک ماده ۵۱۱ قانون مالکیت فکری فرانسه [۳]، طرح صنعتی به معنای «ظاهر تمام یا بخشی از یک کالا است که علی‌الخصوص از ترکیب خطوط، رنگ‌ها، خطوط منحنی، بافت، شکل و یا مواد خود کالا و یا تزئین ناشی شده است».

در این تعریف به لزوم وجود جنبه‌های تزئینی در طرح‌های صنعتی اشاره نشده است؛ یعنی طرح‌های صنعتی می‌توانند دارای جنبه تزئینی باشند یا نباشند و همین نکته، دایره شمول طرح‌های صنعتی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر با عدم اشاره عامدانه به قابلیت کاربرد صنعتی، صنایع دستی هم جزء طرح‌های صنعتی به شمار می‌آیند. بنابراین در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، تعریفی بسیار کلی و عام از طرح‌های صنعتی ارائه شده است که ظاهر هر کالایی را که بتواند معیارهای ثبت طرح صنعتی را داشته باشد در بر می‌گیرد.

طبق ماده ۲ قانون ثبت اختراعات چین مصوب ۱۹۸۴ [۴]، طرح‌های یک کالا به معنای طرح‌های جدید شکل، نقش و نگار یا ترکیبی از آن‌ها یا ترکیبی از رنگ با شکل و نقش و نگار است که دارای ظاهر زیبایی‌شناختی بوده، برای کاربردهای صنعتی مناسب باشد. بنابراین، دو عامل (داشتن ظاهر زیبایی‌شناختی و کاربرد صنعتی) در تعریف طرح‌های صنعتی مهم است.

در ماده یک قانون مدل‌ها و طرح‌های صنعتی بحرین [۵]، طرح صنعتی هر تزیینی از خطوط و رنگ‌ها و هر شکل سه بعدی رنگی یا بدون رنگ است. این تعریف، بسیار عام است و به همین دلیل، قانونگذار در مواد بعد^۱، با ذکر استثنائاتی همچون قابلیت کاربرد

صنعتی یا عدم نیاز به ملاحظات فنی و تخصصی، دایره شمول طرح‌های صنعتی را محدود می‌کند و معنای آن تعریف عام را روشن‌تر می‌سازد.

براساس ماده ۲۰ قانون ایران، مصوب ۱۳۸۶، «هرگونه ترکیب خطوط یا رنگ‌ها و هرگونه شکل سه بعدی با خطوط، رنگ‌ها و یا بدون آن، به گونه‌ای که ترکیب یا شکل یک فراورده صنعتی یا محصولی از صنایع دستی را تغییر دهد، طرح صنعتی است. در یک طرح صنعتی، تنها دسترسی به یک نتیجه فنی، بدون تغییر ظاهری، مشمول حمایت از این قانون نمی‌باشد».

اگرچه این ماده برای اولین بار با بیان تعریفی از طرح صنعتی، خلأ چندین ساله قوانین مالکیت فکری ایران را برطرف کرده، اما لازم است به شرح زیر، برخی از واژه‌ها و عبارات اصلاح شوند:

۱. به نظر می‌رسد اگر در جمله اول، «هرگونه ترکیب خطوط یا رنگ‌ها» به «هرگونه ترکیب خطوط و رنگ‌ها» تغییر یابد بهتر افاده مقصود کند؛ زیرا هم ترکیب خطوط به تنهایی را شامل می‌شود، هم ترکیب رنگ‌ها به تنهایی و هم ترکیب خطوط با رنگ‌ها را؛ در صورتی که طبق نص قانون، ترکیبی از خط و رنگ نمی‌تواند طرح صنعتی باشد، در حالی که بسیاری از طرح‌های صنعتی دوبعدی، ترکیبی از خط و رنگ هستند.

۲. مسأله دیگر این است که آیا در ایران، صنایع دستی می‌توانند و لازم است جزء طرح‌های صنعتی قرار گیرند؟ در پاسخ باید گفت تعریف ماده ۲۰، نه تنها هیچ مانعی در راه ثبت صنایع دستی به عنوان طرح صنعتی ایجاد نکرده، بلکه این امر را تسهیل کرده است؛ اما در عمل، بسیاری از صاحب‌نظران طراحی صنعتی و طراحان صنعتی بر این عقیده‌اند که ماهیت صنایع دستی در ایران، متفاوت از طرح صنعتی است و این دو، نباید یکسان انگاشته شوند. بنابراین، بهتر است صنایع دستی که بیش‌تر رنگ و بوی هنری صرف دارند به عنوان یک اثر هنری در قالب نظام مالکیت ادبی و هنری حمایت شوند.

۳. ماده ۲۰ صرفاً به تغییر یک کالا توجه کرده و ایجاد و خلق یک کالا را مورد توجه قرار نداده است، در حالی که بسیاری از طرح‌های صنعتی از همان ابتدا، خود، به شکلی



نو بروز می‌یابند؛ بدون این که کالای دیگری را تغییر دهند [۶، جلسه ۳].

۴. قانون ایران، مقرره‌ای در مورد نمونه اشیای مفید ندارد و آن‌ها را مورد حمایت قرار نمی‌دهد و حتی در پایان ماده ۲۰ بیان می‌کند که دسترسی به یک نتیجه فنی، بدون تغییر ظاهری، قابل حمایت نیست؛ اما از مفهوم مخالف این جمله برمی‌آید که دسترسی به یک نتیجه فنی، چنانچه با تغییر ظاهری همراه باشد، قابل حمایت است. البته آنچه حمایت می‌شود فقط شکل ظاهری کالا است، نه نتیجه فنی آن. بررسی رویه عملی اداره ثبت طرح‌های صنعتی نشان داده است^۱ که این اداره در بیشتر موارد این‌چنینی در برابر ثبت این قبیل طرح‌ها، مقاومت نشان داده و از ثبت آن‌ها امتناع می‌ورزد.^۲

۵. نکته دیگر این‌که اگرچه طرح صنعتی، ویژگی‌های مربوط به ظاهر کالا است، اما بهتر است این «شکل و ترکیب ظاهری» در متن هم ذکر شود.

۶. یکی از تفاوت‌های طرح صنعتی با دیگر آثار فکری، ماهیت ویژه آن است که در نتیجه آمیختگی هنر و صنعت پدید آمده است. یکی از علل وجود این ماهیت خاص، لزوم وجود یک فرایند صنعتی در راه تبلور طرح بر روی کالا است؛ به نحوی که اگر این شرط نباشد طرح صنعتی به یک اثر هنری صرف تبدیل می‌شود. این شرط در ماده ۲۰ ذکر نشده، اما بهتر است برای خارج کردن آثار هنری صرف از حوزه طرح‌های صنعتی، به این مهم اشاره شود.

به نظر می‌رسد با استفاده از تعاریفی که سایر کشورها از طرح صنعتی ارائه کرده‌اند و با توجه به ماده ۲۰ قانون ایران، نگارش این ماده به شکل زیر وافی به مقصود باشد:

«طرح صنعتی، هرگونه ترکیب خطوط و رنگ‌ها و هرگونه شکل سه بعدی با خطوط، رنگ‌ها و یا بدون آن است که بتواند طی یک فرایند صنعتی روی کالا به کار رود و به آن، شکل ظاهری خاصی دهد».

۱. مانند اظهارنامه ثبت طرح صنعتی به شماره ۲۹۰۰۷۳۳۰.

۲. در جمله پایانی ماده ۲۰ رعایت یک نکته زبانی لازم به نظر می‌رسد. بهتر است به جای «مشمول حمایت از این قانون نمی‌باشد» گفته شود: «مشمول حمایت این قانون نیست».

البته لازم است همچون بخش اختراعات در این قانون، پس از تعریف طرح، استثناهای ثبت هم ذکر شود تا مصادیق آن روشن‌تر گردد.

۳. معیارهای ثبت طرح صنعتی

کشورهای مختلف با توجه به شرایط داخلی خود، معیارها و شرایط ویژه‌ای را در حمایت از طرح‌های صنعتی به کار می‌برند. در این میان، ایالات متحده آمریکا، قوانین بسیار ویژه‌ای را در حمایت از طرح‌های صنعتی اعمال می‌کند و حمایت خود را در قالب معیارهای نظام حق اختراع، مالکیت ادبی و هنری، علامت تجاری و نظام ویژه به عمل می‌آورد. فرانسه هم به تبعیت از اتحادیه اروپا برای اولین بار، معیار بسیار بدیعی را وارد حوزه طرح‌های صنعتی می‌کند. به همین دلیل، لازم است به طور جداگانه به بررسی معیارهای ثبت طرح صنعتی در آمریکا و فرانسه پرداخته شود و در خاتمه با توجه به دستاوردهای این کشورها، حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲. معیارهای ثبت طرح صنعتی در ایالات متحده آمریکا

۱-۱-۲. معیارهای نظام مالکیت ادبی و هنری

طرح‌های صنعتی در آمریکا به موجب نظام مالکیت ادبی و هنری [۷] حمایت می‌شوند. بنابراین، اصلی‌ترین معیاری که بدین منظور اعمال می‌شود، اصالت است. در قانون مالکیت ادبی و هنری، بخش «ب» ماده ۱۳۰۱، طرح اصیل این گونه تعریف شده است: «طرح اصیل، طرحی است که در نتیجه تلاش خلاقانه طراح باشد و یک تغییر قابل تمایز که صرفاً جزئی نباشد از سایر آثار قبلی مشابه داشته باشد و کپی آثار دیگران نباشد». تعریفی که این قانون از اصالت مطرح کرده با تعریفی که در نظام مالکیت ادبی و هنری مطرح است (خلق فکری خود پدیدآورنده) متفاوت است [۸، ص ۱۶۶۶] و برای حوزه طرح‌ها مناسب است؛ زیرا از تغییرات صرفاً جزئی حمایت نمی‌کند و تمایز



بیشتری را برای حمایت می‌طلبد. به همین دلیل در ماده ۱۳۰۲ طرح‌های غیراصیل، طرح‌های مرسوم، رایج و معمولی یا پیش پا افتاده و طرح‌هایی که صرفاً کارکرد مفید کالا، آن‌ها را شکل می‌دهند و... از حمایت قانون مستثنا شده‌اند.

با تمام این اوصاف، اوج توانمندی قانونگذاری طرح‌های صنعتی، در ۱۹۹۸ به بار نشست و ثمره آن، قانون حمایت از طرح بدنه قایق^۱ بود. این قانون، نوع ویژه‌ای از حمایت طرح‌های صنعتی را شکل می‌دهد که محدود به بدنه قایق‌ها است و بی‌شباهت با مدل مالکیت ادبی و هنری نیست. این قانون، برای حمایت از طرح‌های صنعتی، نوعی ثبت را لازم می‌داند و حمایت کوتاه‌مدتی را برقرار می‌کند. معیاری که در قانون حمایت از طرح بدنه قایق برای حمایت از طرح‌های صنعتی مقرر شده است، اصالت است و به موجب آن، طرحی اصیل است که در نتیجه تلاش خلاقانه طراح باشد و تفاوت قابل تمایزی از سایر آثار قبلی مشابه داشته باشد. این تفاوت نباید صرفاً جزئی باشد و از منابع دیگر هم کپی‌برداری نشده باشد.^۲

چنین تعریفی از اصالت، برای طرح‌های صنعتی مناسب است؛ زیرا از یک سو سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های طراحی را تشویق می‌کند و از سوی دیگر، از ایجاد انحصار نسبت به افزوده‌های ناچیز جلوگیری می‌کند که همین دو مسأله، تأثیر بسزایی روی بازار خواهند داشت.

درجه واگرایی و انشعاب، در محتوای داده شده به اصالت، تفاوت بین اصالت در قانون حمایت از طرح بدنه قایق و مالکیت ادبی و هنری را نشان می‌دهد و موجب جدایی میان این دو زمینه می‌شود. با این حال، حتی اگر معیار اصالت یکسانی برای طرح‌های صنعتی و آثار مالکیت ادبی و هنری به کار ببریم، همچنان بهتر است بین حمایت از طرح‌های صنعتی و مالکیت ادبی و هنری تفاوت و جدایی قائل شویم. این تفکیک، از تحمیل تفسیر مضیق معیار اصالت در محدوده مالکیت ادبی و هنری در آینده

1. Vessel Hull Design Protection Act

۲. ماده ۱۳۰۱-b-1.

جلوگیری می‌کند؛ زیرا محاکم در حوزه‌های قضایی مختلف، معیار بالاتری از اصالت در مالکیت ادبی و هنری را برای طرح‌های صنعتی به کار می‌برند تا هنر تخیلی را از هنری که با کارکردهای فنی ترکیب شده است تفکیک کنند [۹، ص ۱۱۴۶-۱۱۴۵].

قانون حمایت از طرح بدنه قایق با طرح‌ریزی قانون حمایت از طرح‌های صنعتی، سعی در برآورده ساختن نیازهای صنایع فردی دارد و به آن‌ها اجازه می‌دهد بدون تغییرات عمده در قانون موجود، حمایتی را که می‌خواهند، کسب کنند [۱۰، ص ۲۷۶-۲۷۸]. این پیشرفت‌ها در مورد طرح‌های بدنه قایق‌ها، می‌تواند آغاز شکل‌گیری نظامی باشد که حمایتی سریع، بدون تشریفات، و انحصاری از طرح‌ها را به وجود می‌آورد.

۲-۱-۲. معیارهای نظام حق اختراع

ایالات متحده از سال ۱۸۴۲ میلادی، حقوق ثبت اختراعات را برای حمایت از طرح‌های صنعتی مطرح کرد تا خلأ موجود میان مالکیت ادبی و هنری و حق اختراع را پر کند. در حال حاضر، قانونگذار آمریکا، در قانون ثبت اختراعات [۷] از طرح‌ها حمایت کرده است و در مواد ۱۷۱ و ۱۰۲ به جدید بودن طرح‌ها اشاره کرده است. با وجود این، از آن‌جا که معیارهای ثبت اختراع، قابلیت حمایت از طرح‌های صنعتی را نداشتند، به حقوق ثبت طرح‌ها یک معیار مازاد «تزیینی بودن» اضافه شد و در مقابل، شرط «کاربردی بودن» حذف شد. بنابراین، برخلاف اختراعات عادی، طرحی که مشمول حق ثبت اختراع واقع می‌شود، تنها از ویژگی‌های صرفاً زیبایی‌شناختی تشکیل شده است. نتیجه این‌که یک الگوی مالکیت صنعتی، همراه با کلیه ویژگی‌های الگوی ثبت اختراعات، برای طرح‌های صنعتی به وجود آمده است؛ مانند استانداردهای بالا برای قابلیت ثبت^۱، حقوق انحصاری قوی برای دوره کوتاه‌مدت (۱۴ سال^۲) و یک فرایند طولانی و هزینه بر ثبت به‌عنوان پیش‌شرط حمایت [۱۱، ص ۷۸۷].

۱. ماده ۱۰۲ و ۱۰۳ همان قانون.

۲. ماده ۱۷۳ همان قانون.



۳-۱-۲. معیارهای نظام علامت تجاری

یکی دیگر از شرایط و معیارهایی که در ثبت برخی از طرح‌های صنعتی ایالات متحده اعمال می‌شود معیار تمایزبخشی است که از طرح‌ها در قالب لباس تجاری حمایت می‌کند. حمایت از لباس تجاری در بند «الف» ماده ۴۳ قانون لنهام [۱۲] مقرر شده است.

در رویه قضایی ایالات متحده، لباس تجاری این‌گونه تعریف شده است:

«لباس تجاری، تصویر کلی کالا است و ممکن است ویژگی‌هایی نظیر اندازه، شکل، رنگ یا ترکیب‌های رنگی، بافت، گرافیک‌ها و حتی تکنیک‌های ویژه فروش را در بر گیرد» و «شامل شکل و طرح خود محصول می‌شود» [۱۳، ص ۲۲۶].^۱

مهم‌ترین ویژگی لباس تجاری، تمایزبخشی آن است. تمایزبخشی به توانایی و ظرفیت نمادها در شناسایی منشأ و مبدأ کالای حامل آن‌ها گفته می‌شود تا آن کالا از کالاهای دیگران متمایز شود. البته لازم نیست که طرح صنعتی، طراح را نیز بشناساند. همین‌که مصرف‌کنندگان طرح را با یک منشأ واحد (ولو نامشخص) تشخیص دهند کفایت می‌کند. اما در صورتی که یک طرح، بیش‌تر از آن‌که به‌عنوان نماینده منشأ کالا به کار رود، صرفاً نقش تزیینی را ایفا کند و مصرف‌کنندگان نیز چنین دیدی به آن طرح داشته باشند، دیگر در قالب لباس تجاری قابل حمایت نخواهد بود؛ زیرا از معیار تمایزبخشی برخوردار نیست؛ یعنی نتوانسته معنای ثانوی^۲ را به دست آورد. معنای ثانوی، شکلی از تمایزبخشی است که اغلب با استفاده طولانی و گسترده از یک طرح در بازار، از جانب عموم، به رسمیت شناخته می‌شود و به دست می‌آید [۱۴، ص ۹۴]. بنابراین، در آمریکا، یک طرح صنعتی، حتی اگر جدید یا اصیل هم نباشد، اما بتواند معنای ثانوی را به دست آورد، قابل حمایت است. پس از ایالات متحده، به بررسی معیارهای فرانسه می‌پردازیم.

۲-۲. معیارهای ثبت طرح صنعتی در فرانسه

کشور فرانسه در قانون مالکیت فکری خود از طرح‌های صنعتی حمایت کرده است و با

1. John H Harland Co.v. Clarke Checks, Inc.,711 F.2d 966,980 (11thCir.1983)

2. secondary meaning

تبعیت از دستورالعمل اتحادیه اروپا، دو معیار برای این حمایت ذکر کرده است که عبارتند از: (۱) جدید بودن، (۲) داشتن ویژگی منحصر به فرد. فرانسه با وجود این که از نظام مالکیت ادبی و هنری بسیار قوی برخوردار است، اما برای حمایت از طرح‌های صنعتی از معیار اصلی این نظام استفاده نکرده، بلکه برعکس، در ماده ۲-۵۱۱ قانون مالکیت فکری خود، برای حمایت از طرح‌های صنعتی، معیار جدید بودن را برگزیده و در بند سوم از ماده ۵۱۱ به تعریف آن پرداخته است؛ بدین صورت که: «طرحی جدید است که در تاریخ ثبت تقاضانامه ثبت یا در تاریخ حق تقدم، هیچ طرح یا مدل همانند آن افشا و آشکار نشده باشد. طرح‌ها یا مدل‌ها اگر تنها در جزئیات بی‌اهمیت متفاوت از یکدیگر باشند هم یکسان فرض می‌شوند».

با این که فرانسه با تبعیت از اتحادیه اروپا، این معیار را در جهت حمایت از طرح‌های صنعتی برگزیده است، اما پیش‌تر حقوقدانان فرانسوی با این انتخاب مخالفند و تمام تلاش خود را در جهت تعدیل این معیار به کار بسته‌اند. رویه قضایی فرانسه هم تا حدی تمایل دارد که مفاهیم جدید بودن و اصیل بودن را همزمان برای طرح‌های صنعتی به کار بندد [۱۵، ص ۴۰۰].

دکترین فرانسوی معتقد است که چون ماهیت موضوع حقوق طراحی صنعتی، یک موجود یا پدیده زیبایی‌شناختی و یا تزئینی است، به دلیل این تمیز و تمایز، معیارهای حمایت از آن هم باید تعدیل گردند. در واقع، هیچ مانعی وجود ندارد تا در حقوق طرح‌های صنعتی، یک مفهوم مضیق‌تر از جدید بودن اتخاذ گردد [۱۵، ص ۴۰۰].

بنابراین، کاملاً قابل تصور است که در صورت وجود هر گونه سابقه از اثر، دیگر جدید بودن آن مطرح نیست. لذا در بحث جدید بودن، برای ارزیابی سابقه اثر، باید معیارهای شدیدتر و سخت‌تری به کار گرفته شود تا صرف جستجو از سابقه اثر. بدین علت، در این راه، فعالیت خلاقانه نیز در نظر گرفته می‌شود.

بدین ترتیب، دکترین فرانسوی با تلفیق ضمنی و غیرمستقیم معیار اصالت در معیار جدید بودن، سعی در تعدیل معیار جدید بودن که در قانون ذکر شده است، دارد.



دومین معیاری که فرانسه برای حمایت از طرح‌های صنعتی برگزیده، داشتن ویژگی منحصربه‌فرد است.^۱ در ماده ۴-۵۱۱ مقرر شده است که یک طرح در صورتی ویژگی منحصربه‌فرد دارد که تأثیر بصری روی هم‌رفته‌ای که بر ذهن کاربر آگاه می‌گذارد، متفاوت از تأثیر روی هم‌رفته‌ای باشد که طرحی که قبل از تاریخ ثبت تقاضانامه ثبت طرح صنعتی یا قبل از تاریخ حق تقدم در دسترس عموم قرار گرفته است، بر چنین کاربری ایجاد می‌کرده است.

تأثیر بصری روی هم‌رفته یا کلی، مربوط به ظاهر کالا است و توسط کاربر آگاه مورد قضاوت قرار می‌گیرد. در این راه معمولاً شخصی فرضی در نظر گرفته می‌شود که دارای مهارت کارشناسی نیست، اما نسبت به متوسط مصرف‌کنندگان، علاقه بیشتری به طرح‌های صنعتی دارد [۱۶، ص ۴۳۳].

در ارزیابی طرح صنعتی، میزان آزادی طراح در توسعه طرح مورد توجه قرار می‌گیرد. میزان تفاوت از مجموعه طرح‌های قبلی هم با میزان آزادی طراح مشخص خواهد شد. در کل برای ارزیابی ویژگی منحصربه‌فرد، چهار مرحله دنبال می‌شود:

۱. شناسایی ماهیت کالا و بخش صنعتی مربوط به آن،
۲. ارزیابی دانش کاربر آگاه و مشاهده و ادراک او،
۳. ایجاد دانش و هنرفنی مربوط،^۲
۴. مقایسه تأثیر کلی ایجاد شده بر کاربر آگاه توسط طرح مورد نظر و طرح‌های پیشین [۱۶، ص ۴۳۴].

به طور کلی در فرانسه و بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا، معیار ویژگی منحصربه‌فرد، مفهوم اغفال‌کننده و مبهمی است و در دعاوی، منشأ مهمی به شمار می‌رود.

۲-۳. بررسی معیارهای ثبت طرح صنعتی در ایران

معیارهای ثبت طرح صنعتی در حقوق ایران، برای اولین بار در قانون «ثبت اختراعات،

۱. ماده ۲-۵۱۱.

2. design corpus

طرح‌های صنعتی و علائم و نام‌های تجاری مصوب ۱۳۸۶» مطرح شده است. این قانون پس از تعریف طرح صنعتی در ماده ۲۰، در ماده ۲۱ معیارهای ثبت طرح صنعتی را بیان می‌کند. ماده ۲۱ در این خصوص چنین مقرر داشته است: «طرح صنعتی، زمانی قابل ثبت است که جدید و یا اصیل باشد. طرح صنعتی، زمانی جدید است که از طریق انتشار به طور محسوس و یا از طریق استفاده به هر نحو دیگر، قبل از تاریخ تسلیم اظهارنامه یا برحسب مورد قبل از حق تقدم اظهارنامه برای ثبت در هیچ نقطه‌ای از جهان برای عموم افشا نشده باشد. مفاد قسمت اخیر بند «ه» و بند «و» ماده ۴ این قانون درخصوص طرح‌های صنعتی نیز قابل اعمال است [۱۷]

بنابراین، براساس ماده ۲۱ و مواد مورد اشاره در آن، برای ثبت طرح‌های صنعتی، از نظر قانون ایران، سه معیار لازم است که دو مورد اول، ایجابی و معیار سوم، سلبی است. این معیارها عبارتند از: (۱) جدید بودن، (۲) اصیل بودن، (۳) خلاف نظم عمومی نبودن. بر این اساس، برای تبیین بیشتر قانون ایران و تفسیر محتوا و مفاد آن به بررسی تفصیلی این معیارها می‌پردازیم:

۱. قانونگذار معیار جدید بودن را به طور واضح تعریف کرده است؛ علاوه بر آن‌که در ذیل ماده ۸۴ آیین‌نامه اجرایی همان قانون، طرح جدید مجدداً تعریف شده است. در این میان، ذکر نکاتی چند درخصوص تعریف جدید بودن، ضرورت دارد. این تعاریف دارای ابهاماتی به شرح زیر است:

الف. اولین ابهام، معنای انتشار به طور محسوس است. آیا منظور از محسوس، چیزی است که با حواس پنجگانه انسان درک شود یا تجسمی مادی است؛ مثل این‌که طرح صنعتی، روی یک کالا پیاده شود یا در یک مجله منتشر شود و... که اگر این معنا مراد باشد، مثلاً افشای شفاهی را در بر نمی‌گیرد. بهتر بود به جای واژه محسوس، از انتشار به هر طریقی استفاده می‌شد. از عبارت بعد که بیان می‌کند «یا از طریق استفاده به هر نحو دیگر» تا حدی فهمیده می‌شود که قانونگذار سعی در محدود کردن طرق انتشار نداشته است [۶، جلسه ۵].

ب. آن‌طور که از ظاهر ماده ۲۱ بر می‌آید فقط اگر طرحی یکسان با طرح مورد



درخواست، قبلاً افشا شده باشد، طرح، جدید نیست و طرح‌های مشابه از این حوزه خارج می‌شوند. در ماده ۸۴ آیین‌نامه تا حدی این نقص برطرف شده است؛ زیرا از طرح‌های همانند سخن به میان آمده است، اما باز هم این عبارت نارسا است؛ زیرا میزان و درجه این همانندی مشخص نشده است. در واقع، همانندی کامل معمولاً نادر است و بیشتر موارد نقض را تشابه طرح‌ها ایجاد می‌کنند. بهتر بود قانونگذار میزان این شباهت را روشن می‌ساخت که آیا تفاوت در جزئیات کم اهمیت، معیار همانندی است یا این‌که هر تفاوت، خواه جزئی و خواه چشمگیر، دو طرح را از یکدیگر متمایز می‌کند.

۲. مسأله دیگر آن است که ملاک و معیار روشنی برای ثبت طرح صنعتی ارائه نمی‌شود. منشأ این ابهام ذکر «و» و «یا» میان دو کلمه «جدید» و «اصیل» است. بر این اساس، ماده مذکور به طرق زیر قابل تفسیر است:

الف. طرحی قابل ثبت است که هم اصیل و هم جدید باشد.

ب. طرحی قابل ثبت است که اصیل باشد یا جدید باشد (یکی از این دو کفایت می‌کند).

ج. تفاوتی میان مفهوم جدید بودن و اصیل بودن درخصوص طرح‌ها وجود ندارد. بنابراین، همین که طرح، نسبت به طرح سابق، متفاوت باشد، قابل ثبت است؛ یعنی اصالت و جدید بودن، مترادف استعمال شده‌اند.

تعیین این‌که کدامیک از تفاسیر فوق صحیح است، بدون توجه به منابعی که قانونگذار ایرانی با استفاده از آن‌ها به وضع ماده مذکور پرداخته، ممکن نیست. در حقیقت، بهترین روش تفسیر، دستیابی به مقصود قانونگذار از وضع قانون است. دستیابی به این هدف با ملاحظه مذاکرات مقدماتی نمایندگان مجلس، منابعی که قانون از آن‌ها نشأت گرفته، اوضاع و احوال حاکم بر وضع قانون در زمان تصویب آن و... میسر می‌شود.

از بررسی مذاکرات مقدماتی مجلس و دیگر ملاحظات حقوقی چنین بر می‌آید که قانون ایران از قانون مدل سازمان جهانی مالکیت فکری اقتباس شده است. از آن‌جا که سازمان جهانی مالکیت فکری همیشه در تدوین قوانین خود به آخرین تحولات موجود در زمینه حقوق مالکیت فکری نظر دارد، در تدوین این قانون از موافقتنامه تریپس الهام گرفته

و نظام حمایتی ویژه‌ای، غیر از نظام‌های متداول مالکیت فکری را برای حمایت از طرح‌های صنعتی برگزیده است. در حقیقت، مشابه ابهام ماده ۲۱ در موافقتنامه تریپس نیز با تفاوتی ناچیز مشاهده می‌شود. بند نخست از ماده ۲۵ این موافقتنامه چنین مقرر می‌دارد: «اعضا برای حمایت از آن دسته از طرح‌های صنعتی که مستقلاً تهیه شده و اصیل (یا) جدید هستند ترتیباتی مقرر خواهند داشت...» [۱۸].

همان‌طور که در بند فوق ملاحظه گردید، متعاهدین از آن دسته طرح‌های صنعتی باید حمایت کنند که جدید (یا) اصیل باشد. این در حالی است که براساس طرح اولیه،^۱ طرح‌هایی مورد حمایت واقع می‌شدند که جدید (و یا) اصیل باشند. بر آن اساس، طرح‌هایی که به طور مشخص از طرح‌های شناخته شده یا ترکیب‌های اوصاف طرح شناخته شده متفاوت نبودند، جدید و یا اصیل محسوب نمی‌شدند. قانون مدل وایپو نیز از طرح اولیه معاهده تریپس اقتباس کرده است و هر دو واژه «و» یا «و یا» را استعمال کرده است. مفسران معاهده تریپس، هنوز نتوانسته‌اند ابهام ماده ۲۵ را حل و فصل کنند و هریک به نحوی تفسیر مناسب اصول همیشگی خود را برگزیده‌اند. این که قانونگذار ایران، از طریق این قانون و با پیروی از معاهده تریپس، گامی محکم در جهت الحاق به سازمان تجارت جهانی برداشته، قابل ستایش است، اما شایسته بود تا نواقص و مبهمات قانون را هم به حداقل ممکن برساند.

به نظر می‌رسد مقصود واضعان موافقتنامه تریپس در باقی گذاردن ابهام مذکور، سهولت در ثبت طرح بوده و به این ترتیب، اعمال یکی از معیارهای اصلی دو نظام بزرگ مالکیت فکری (جدید بودن یا اصالت) را کافی دانسته‌اند و انتخاب یکی از این دو معیار را در اختیار کشورها گذارده‌اند تا آن‌ها خود با توجه به شرایط اقتصادی و چشم‌اندازهای توسعه‌ای کشور خویش، معیاری را که مناسب بدانند الزامی کنند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که از نظر قانونگذار ایرانی نیز برای ثبت طرح، نه وجود هر دو معیار جدید و اصیل بودن، بلکه تنها یکی از آن‌ها کفایت می‌کند. اما آیا همین که طرحی اصیل باشد یا به صرف آن که جدید باشد، قابل ثبت است؟ به عبارت دیگر، اگر از واژه «یا»



تخیر مستفاد شود، هر طرحی به صرف جدید یا اصیل بودن قابل ثبت است؛ اما آنچه از ظاهر ماده ۲۱ بر می آید نشان می دهد قانونگذار، شرط جدید بودن را به عنوان تنها شرط اصلی ثبت طرح صنعتی در نظر گرفته است. دلایل این عقیده به شرح زیر است:

اولاً معیار اصالت در قانون (ماده ۲۱) تعریف نشده و قانونگذار عامدانه به تعریف معیار جدید بودن اکتفا کرده است؛ گویی اصالت را در لوای جدید بودن و وابسته به آن در نظر گرفته است و از این جهت نیازی به تعریف آن ندیده است. ممکن است ادعا شود که اصالت در آیین نامه اجرایی قانون تعریف شده و این نظریه بدین ترتیب نقض می گردد. اما در پاسخ خواهیم گفت آیین نامه نمی تواند مقصود قانونگذار را تفسیر کند؛ زیرا مقام واضع آن با مقام واضع قانون متفاوت است و در مواردی چه بسا از آن تجاوز کند. موارد بسیار ابطال آیین نامه توسط دیوان عدالت اداری، مؤید این دلیل است. ثانیاً جدید بودن در مقایسه با اصالت از پیشینه بیشتری برخوردار است و نظام حقوقی ایران، سازگاری بیشتری با آن دارد. قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ در زمره اولین قوانین ایران محسوب می شود و سابقه ثبت آفرینه های فکری با معیار جدید بودن از سابقه حمایت از آثار هنری ادبی با معیار اصالت، بسیار بیشتر است. از این جهت کارشناسان اداره ثبت و قضات با معیار جدید بودن آشنایی و ارتباط بیشتری دارند و با آن مأنوس تر هستند.

ثالثاً اوضاع و احوال حاکم بر نظام حقوقی ایران، حمایت بیشتری نسبت به آفرینه های مالکیت صنعتی با معیار جدید بودن در مقایسه با آثار ادبی - هنری با معیار اصالت می کند. طرح صنعتی نیز در غالب نظرها و اندیشه های حقوقی به عنوان مالکیت صنعتی شناخته شده و ذکر آن در ذیل قانون ۱۳۸۶ مؤید این ادعا است [۱۹، جلسه ۶].

رابعاً اصالت، معیاری شخصی و به عبارت دیگر ذهنی است که بررسی آن توسط کارشناسان اداره ثبت طرح های صنعتی بسی دشوار است. در حقیقت، همواره در تمامی نظام های حقوقی، این گرایش کلی وجود دارد که از معیارهای ذهنی و مجرد که دست قاضی و کارشناس را در تعیین حق و باطل باز می گذارد پرهیز شود و به جای آن، معیاری عینی و مسلم که تضمین کننده واقعی عدالت است به کار برده شود. جدید

بودن از طریق بررسی سوابق افشا یا عدم آن، به مراتب بهتر از اصالت می‌تواند حقوق طراح متقاضی ثبت و نیز دیگر طراحان را تضمین کند [۲۰، ص ۸۹-۹۰].

اما با وجود این، اوصاف طرح صنعتی دارای ماهیتی دوگانه است. طراحی یک فعالیت خلاقانه است و دارای ویژگی‌های هنری در رابطه با ظاهر زیبایی‌شناختی کالا است. لذا معیار جدید بودن برای طرح‌های صنعتی مناسب نیست. هرچند این معیار عینی‌تر از سایر معیارها است، اما باز هم برای ویژگی‌های هنری نامناسب است؛ زیرا از یک سو، طرح‌ها همیشه براساس پارامترهای تعیین شده توسط دانش پیشین، طراحی می‌شوند، اما جدید بودن، معیاری است با این مفهوم که یک موضوع جدید نباید با هیچ چیزی که پیش از این در هر مکان و زمانی موجود بوده، پیش‌بینی شود. از سوی دیگر، ارزیابی کیفیت یک طرح به موجب معیار جدید بودن به‌درستی نمی‌تواند نو بودن آن را مشخص کند، چرا که ابزار عینی برای ارزیابی تفاوت‌های ذهنی میان دو ویژگی تزئینی، مناسب نیست.

با توجه به موارد فوق و برای این‌که پا را از قانون فراتر ننهیم و در عین حال بتوانیم تقیصه معیار جدید بودن را برطرف کنیم، توجه به مفاد ماده ۸۴ آیین‌نامه اجرایی قانون راهگشا است. شک نیست که اتخاذ معیار جدید بودن می‌تواند حقوق طراحان صنعتی را تضمین کند؛ اما این تضمین نمی‌تواند به شکلی همه‌جانبه اعمال شود. از این رو، باید به این معیار عینی، تا حدی رنگ و بوی ذهنی داد. ذیل ماده ۸۴ آیین‌نامه بیان شده است که «طرح صنعتی در صورتی اصیل محسوب می‌شود که به طور مستقل توسط طراح پدید آمده و کپی و تقلید طرح‌های موجود نباشد؛ به نحوی که از دید یک کاربر آگاه، متفاوت از طرح‌هایی باشد که قبلاً در اختیار عموم قرار گرفته است».

تعریفی که در آیین‌نامه از اصالت مطرح شده، تعریف بسیار خوبی است. آیین‌نامه به اصالت، معنای تازه‌ای بخشیده که متفاوت از معنای آن در نظام مالکیت ادبی و هنری است. وقتی گفته می‌شود طرح اصیل نباید کپی یا تقلید طرح‌های موجود باشد و باید به طور مستقل توسط طراح پدید آمده باشد، سطح بالاتری از خلاقیت در مالکیت ادبی و هنری مورد نظر است و این امر به نفع طراحان اولیه‌ای است که با صرف وقت و هزینه



بسیار، طرحی را خلق می‌کنند و پس از آن، دیگران اجازه نمی‌یابند تا با تغییری اندک و جزئی، آن طرح را به نفع خود به ثبت برسانند. این نکته، همان اثر شخصی اصالت است. از سوی دیگر، قسمت اخیر این تعریف، از نظر مفهومی، شباهت اصولی با معیار منحصر به فرد بودن طرح دارد که در حقوق کشورهای اروپایی به عنوان مکملی برای رفع نقیصه معیار جدید بودن به کار می‌رود. به عبارت دیگر، این ماده بسیار موجز و مختصر، همان ویژگی منحصر به فرد بودن را تعریف کرده است. با این اوصاف، کاربر آگاه، شخصی است که ارتباط و آشنایی بیشتری با آن طرح دارد و دید او نیز یک حس کلی است [۲۰، ص ۹۱].

بدین ترتیب، اگر طرحی با طرح‌های موجود، متفاوت و متمایز باشد و در نتیجه تلاش خلاقانه طراح پدید آمده باشد، اصیل است. هر چند میزان این تفاوت روشن نشده، اما به نظر می‌رسد این تفاوت، تفاوتی جزئی نباشد، زیرا کاربر آگاه، هیچ‌گاه تغییرات جزئی را به عنوان ملاک تفاوت دو طرح در نظر نمی‌گیرد، بلکه کلیت یک طرح باید تفاوت بارزی با کلیت طرح‌های دیگر داشته باشد.

پس می‌توان ماده ۲۱ را این‌گونه اصلاح کرد که یک طرح برای کسب حمایت قانون از طریق ثبت، باید هم جدید باشد و هم اصیل. به بیان روشن تر، نه تنها نباید قبلاً در دسترس عموم قرار گرفته باشد، بلکه با خلاقیت طراح، باید متمایز از طرح‌های موجود هم باشد. در راستای این اصلاح، تعریف اصالت به همان شکل که در آیین‌نامه مطرح شده باید در ماده ۲۱ در کنار تعریف جدید بودن گنجانده شود.

۲. نکته دیگری که در مورد قانون ۱۳۸۶ قابل ذکر است استثنای مذکور در ماده ۸۴ آیین‌نامه است. در مزایای این ماده باید گفت از بهترین موادی است که در زمینه طرح‌های صنعتی وضع شده؛ زیرا استثنای حمایت از طرح‌های صنعتی را به شرح زیر به بهترین شکل بیان کرده است:

- در بند اول به طور کلی طرح‌هایی که معیارهای اصلی حمایت (جدید و اصیل بودن) را نداشته باشند، استثنا شده‌اند.

- در بند دوم (درباره طرح‌هایی که تنها در نتیجه عملکرد فنی محصول ایجاد می‌شوند)

استثنای مقرر شده که در بیشتر قوانین به علت عدم وجود اصالت اثر مطرح شده است. اصولاً در طراحی یک کالا از دید یک طراح صنعتی، سه شاخصه با هم در نظر گرفته می‌شوند که عبارتند از: شاخصه فنی و عملکردی، ارگانیک (فیزیولوژیک)، و زیبایی‌شناختی. اما گاه در یک کالا، شاخصه فنی غلبه می‌یابد و عامل انحصاری شکل‌گیری یک طرح می‌شود و خلاقیت و اثر شخصیت طراح بر طرح را از بین می‌برد و به آن مجال بروز نمی‌دهد. تمیز این گونه طرح‌ها کاری بس مشکل است. این ویژگی‌های فنی یا کارکردی طرح را می‌توان با توجه به ماهیت هر مورد در چارچوب سایر مقولات حقوق مالکیت فکری، مانند اختراع، نمونه‌اشیای مفید یا اسرار تجاری مورد حمایت قرار داد [۲۱، ص ۱۱۳].

- استثنای سوم (در مورد طرح‌های حاوی نمادها یا نشان‌های رسمی) در جهت حمایت از نشان‌های رسمی است که به‌عنوان تزئین یک طرح به کار نروند؛ زیرا نماد و نشان رسمی از قداست خاصی برخوردار است و در حوزه نظم عمومی سیاسی قرار می‌گیرد. اما صرفنظر از احترام این نشان‌ها، اگر این نمادها یا نشان‌های رسمی بر روی طرحی به کار روند، علی‌الاصول به‌عنوان نقش و نگار آن استفاده می‌شوند و بنابراین، از خلاقیت کمی برخوردارند. از طرف دیگر، این نمادها قبلاً در دسترس عموم قرار گرفته‌اند و دیگر جدید نیستند، مگر این‌که شکل و ساختار طرح، صرفنظر از نشان رسمی روی آن، قابل حمایت باشد که بعد از حذف آن نشان، تنها شکل و ساختار طرح به ثبت خواهد رسید.

- استثنای چهارم (راجع به طرح‌های مخالف نظم عمومی یا اخلاق حسنه) در اکثر قوانین دنیا وجود دارد و کاملاً با شرایط ملی مذهبی ایران مطابقت دارد؛ زیرا هر طرح، حتی اگر تمام شرایط حمایت را دارا باشد، هرگاه مخالف اصول پذیرفته شده اخلاقی یا مذهبی و یا قوانین و مقررات آمره کشور باشد، شایسته حمایت نیست؛ مضافاً این‌که مفاد بند ۴ در ماده ۸۴ آیین‌نامه، چیزی جز تکرار ذیل ماده ۲۱ قانون نیست.

بزرگ‌ترین ایراد ماده ۸۴ آیین‌نامه، این است که به نظر می‌رسد چیزی فراتر از قانون را مقرر داشته و آنچه را بایست در قانون ذکر می‌شد و ذکر نشده در خود جای داده است. این ماده با شکایت به دیوان عدالت اداری قابل ابطال است و با ابطال آن،



چیزی جز مفاد ذیل ماده ۲۱ قانون، از استثناهای ثبت طرح‌ها باقی نمی‌ماند. نبود مفاد این ماده در بین عبارات مواد قانون بسیار هویدا است.

۳. نتیجه و ارائه راهکار

قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری (مصوب ۱۳۸۶) گام مهمی در زمینه پیشرفت و گسترش حقوق مالکیت فکری به شمار می‌رود. تحولات این قانون در مقایسه با قوانین سابق، به‌ویژه در زمینه طرح صنعتی قابل توجه و ستایش است؛ لکن بررسی و تحلیل جامع و همه‌جانبه مفاد این قانون در زمینه طرح صنعتی، حاکی از این نکته مهم است که هنوز فاصله‌ای طولانی تا رسیدن به هدف باقی مانده است و حمایت شایسته از طراحان صنعتی به این آسانی میسر نمی‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد اصلاحات زیر در فصل دوم قانون ضروری باشد:

۱. همان‌طور که از اصول حقوقی مربوط به تعریف به‌خوبی آشکار است یک تعریف باید جامع تمام افراد و مانع تمام اغیار باشد. لکن تعریف طرح صنعتی مذکور در قانون، مانع اغیار نیست؛ زیرا طرح صنعتی، همان‌طور که از نام آن هویدا است، باید در یک فراورده صنعتی تجلی پیدا کند. به همین دلیل، اموالی مانند صنایع دستی که تنها جنبه تزیینی و هنری دارند، طرح صنعتی نیستند و نباید فریب عنوان صنعتی آنان را خورد.

۲. با توجه به مباحث فوق‌الذکر، پیشنهاد می‌گردد تعریف طرح صنعتی به این شرح اصلاح گردد: «طرح صنعتی، هر گونه ترکیب خطوط و رنگ‌ها و هرگونه شکل سه بعدی با خطوط، رنگ‌ها و یا بدون آن است که بتواند طی یک فرایند صنعتی روی کالا به کار رود و به آن، شکل ظاهری خاصی دهد».

۳. با توجه به لزوم روشن کردن شرایط و معیارهای ثبت طرح‌های صنعتی و جلوگیری از سردرگمی اداره ثبت طرح‌های صنعتی، بهتر است در ماده ۲۱ معیار «جدید و اصیل» استفاده شود؛ یعنی طرح‌هایی بتوانند به ثبت برسند که هم جدید باشند و هم متفاوت از سایر طرح‌ها. صرف وجود یکی از این دو شرط کفایت نمی‌کند.

۴. اگرچه شرط اصالت در ماده ۸۴ آیین‌نامه تعریف شده، اما نظر به اتخاذ همزمان هر دو معیار اصالت و جدید بودن، لازم به نظر می‌رسد که این تعریف در کنار تعریف جدید بودن، در ماده ۲۱ ذکر شود و فقط به تعریف جدید بودن اکتفا نشود.

۵. زمانی که در قانون از تعریف یک معیار سخن به میان می‌آید باید از واژه‌هایی استفاده شود که صریح در معنا باشند. در تعریف شرط و معیار جدید بودن، شایسته است طرح‌هایی را جدید بدانیم که از طریق «انتشار و یا استفاده به هر نحو» افشا نشده باشند.

۶. از آنجا که آیین‌نامه یک قانون نمی‌تواند حکمی ماهوی مقرر دارد، ضروری است که استثنائات ذکر شده در ماده ۸۴ آیین‌نامه در خود قانون ذکر شود. بدین ترتیب، تعریف ارائه شده در ماده ۲۰ قانون به نحو احسن رسالت خود را ایفا می‌کند.

۴. منابع و مأخذ

- [1] Law no. 9. 279, Industrial Property, Brazil, 1996.
- [2] Directive of EU on industrial Design, 1998.
- [3] Intellectual Property Code, France, Updated 2003.
- [4] Patent Law of the People's Republic of China, 2008.
- [5] Law no. 6 of 2006 on Industrial Designs and Models, Bahrain.
- [۶] حبیبیا، سعید، تقریرات واحد حقوق مالکیت صنعتی ۲، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۸۸-۱۳۸۷.
- [7] Title 37- Code of Federal Regulations Patents, Trademarks and Copyrights and Copyright law of the United States, 1976, Amended 2009.
- [8] Walter, Michel. M, and Lewnski, Silke Von, *European Copy Right Law*, NewYork, Oxford University Press, 2010.
- [9] Fishman, Afori, Orit, "Reconceptualizing Property in Design", *Intellectual Property Journal*, vol. 14, 1999.
- [10] Keebaugh, Regan E., "Intellectual Property and the Protection of Industrial Design: Are Sui Generis Protection Measures the Answer to



Vocal Opponents and a Valucant Congress? *Journal of Intellectual Property Law*, vol. 13, 2005-2006.

[11] Goldman, Schaffer, "The Global Counters of IP Protection for Trade Dress, Industrial Design, Applied Art and Product Configuration", 20 *Fordham Intellectual Property, Media & Ent. Law Journal*, 2009-2010.

[12] U. S. Lanham Act, 1946.

[13] Partridge, Mark V.B., "Trade Dress Protection and the Problem of Distinctiveness", *J. Marshal Rew. Intell. Prop. L.* Vol. I. 2001-2002.

[14] Harchuck, A. Kimberly, "Fashion Design Protection: The Enternal Plight of The "Soft Sculpture"", *Akron Intellectual Property Journal*, Vol. 4, 2010.

[15] Pullaud- Dulian, Frederic, *Droit de la propriete industrielle*, edition Montchrestien, E. J. A. Paris, 1999.

[16] Colston, Catherin and Middleton, Kirsty, *Modern Intellectual Property Law*, London, Cavendish Publishing, Second Edition, 2005.

[۱۷] قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۶، قوه قضاییه، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، اداره کل مالکیت صنعتی.

[18] TRIPs Agreement, cited at: www.wipo.int, last visited: 2012/1/20
Comparative study of definition and registration criteria of industrial designs according to 1386 Act.

[۱۹] حبیبی، سعید، تقریرات واحد ضمانت‌اجرای حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۹۰-۱۳۸۹.

[۲۰] حنیفی، نسیم، بررسی تطبیقی معیارهای ثبت طرح صنعتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.

[۲۱] مرکز تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی مالکیت فکری (واپوو)، رموز مالکیت فکری، راهنمایی برای صادرکنندگان کوچک و متوسط، ترجمه سیف‌الله صادقی یارندی و مسعود طارم‌سری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۹.